
النار
ذكر النار واصحاب
في
اولي الاعتبار مما ورد
يقظة

١٢٢٩ھ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العلمين والعاقبة للمتقين والصلوة والسلام على رسوله محمد وآله
واصحابه اجمعين اما بعد مخفی و محتجب نماند که درین دیار کتابی مسمی به لباب الاخبار که
مشهور است اما احادیث آن اکثر موضوع و بعض ازان بکتابی مستند نه لهذا
فقیر الحقیر عائذ بالله فقیر الله غفر الله له و لوالدیه و لاستاذه خواست که کتابی صحیح
که ماخذ آن صحاح سته باشد خصوصاً صحیح بخاری و صحیح مسلم که اصح الکتب بعد کلام
الله اند مشهور و مروج سازد لهذا این کتاب را که تصنیف امام المحدثین عمدة المفسرین
حضرت امام نووی رحمة الله تعالی علیه را در حیز طبع معه ترجمه نموده تا اهل
الله ازین مستفیض شوند و عاصی را بدعای خیر یاد فرمایند و بالله التوفیق و این
رساله را باسم موسوم به لباب الاخبار فی احادیث سید المختار مشهور
اربعین امام نووی ساخت تحت هر چند احادیث لباب الاخبار سابقه درج
کرده میشود تا طالبان فن را طمانیت قلب حاصل شود صفحه ۶ من زار عالما فکانما
الخ در اسناد این حدیث امام شوکانی در صفحه ۱۰۱ نوشته که یک راوی کذابست

م درمجمع البحار جلد ۳ - نوشته لم یوجد

صفحه ۱۲ الایمان معرفة بالقلب الخ این حدیث موضوع است یا ضعیف شوکانی در

صفحه ۲۴۶ صفحه ۱۹ الوضوء علی الوضوء نور الخ در تخریج احیاء امام غزالی نوشته که اطلاع

این حدیث نشده شوکانی صفحه ۹ صفحه ۲۲ من قال عند استماع الاذان الخ در فوائد مجموعه

فی احادیث الموضوعه امام شوکانی موضوع نوشته صفحه ۱۵ صفحه ۲۶ لا صلوة لجار المسجد الخ

این حدیث عند البعض موضوع و عند البعض ضعیف بهر حال صحیح نیست شوکانی

صفحه ۱۰ الا اینکه نوشته شده مشتی ست از خروار و مترجم این رساله سند المحدثین

حضرت قاضی محمد منصور پشاوریست دامت فیوضه و برکاته + + +

الحديث الاول عن امير المؤمنين عمر بن الخطاب رضي

حدیث اول مرویست از امیر المومنین عمر بن خطاب رضی

اللهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَ

الله تعالی عنه که گفت شنیدم رسول الله صلی الله تعالی علیه و

اٰلِهٖ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّمَا الْاَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَاِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ

اله و سلم را که میفرمود جز این نیست که همه اعمال موقوف بر نیت هاست و جز این نیست که بر یکی

مَا نَوٰى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهٗ اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ فَهِجْرَتُهٗ اِلَى

نیت کرده پس کسیکه باشد هجرت او بسوی خدا و رسول او پس هجرت او بسوی

اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهٗ اِلٰى دُنْيَا يُصِيْبُهَا

خدا و رسول او ست و کسیکه باشد هجرت او بسوی دنیا که برسد آنرا

اَوِ امْرَاَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهٗ اِلٰى مَا هَاجَرَ اِلَيْهِ رَوَاهُ اِمَامُ

یا زنی که نکاح کند او را پس هجرت او بسوی آن چیز ست که هجرت کرده بطرف وی روایت کرد

۳

این حدیث را امام

وچون اعمال بغیر نیت ... حسن نیست ... دنیا ... داری و رضا جو ... صواب ... گاه ... نیت ... بنیت ... نیک ... المقدور ... در اعمال خود نیت را خالص کند ... تا جزای نیک برآن مرتب شود ۱۲

المحدثين ابو عبد الله محمد بن اسمعيل البخاري وابو

محدثین ابو عبد الله محمد بن اسمعیل بخاری وابو

الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري

الحسین مسلم پسر حجاج پسر مسلم قشیری نیشاپوری

رضي الله تعالى عنهما في صحيحيهما اللذين هما اصح الكتب

رضی الله تعالی عنهما در دو کتاب صحیح شان که این هر دو کتاب صحیح ترین کتابهای

المصنفة الحديث الثاني عن عمر رضي الله تعالى

تصنیف شده اند حدیث دوم روایت شده از عمر رضی الله تعالی

عنه ايضا قال بينما نحن عند رسول الله صلى الله تعالى

عنه که گفت در حالیکه نشسته بودیم ما یان نزد رسول خدا صلی الله تعالی

عليه واله وسلم ذات يوم اذ طلع علينا رجل شديد

علیه واله وسلم یکروز که ناگهان وارد شد بر ما شخصی که بسیار

بياض الثوب شديد سواد الشعر لا يرى عليه اثر

سفید بود جامه وی و خوب سیاه بود موهای وی دیده نمیشد بر وی علامت

السفر ولا يعرفه منا احد حتى جلس الى النبي صلى

سفر و نمی شناخت وی را از ما یان کسی تا آنکه نشست آن شخص نزد پیغمبر صلی

الله تعالى عليه واله وسلم فاسند ركبتيه الى ركبتيه

الله تعالی علیه واله وسلم پس پیوست کرد دو زانوی خود را به دو زانوی

ووضع كفيه على فخذيه وقال يا محمد اخبرني عن

و نهاد هر دو کف دست خود را بر دو رانهای ایشان یعنی آنحضرت خبر کن مرا از

چنانچه در روایت دیگر نزد نسائی وغیره مصرح است گفت یا محمد

[illegible]

الاسلام فقال رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم

اسلام پس فرمود رسول خدا صلى الله تعالى عليه وسلم

الاسلام ان تشهد ان لا اله الا الله وان محمدا رسول

اسلام اینست که گواهی دهی باینکه نیست هیچ معبود بجز خدا واینکه محمد فرستاده

الله وتقيم الصلوة وتؤتي الزكوة وتصوم رمضان و

خداست وبرپا داری نماز را ودهی زکوة را وروزه داری رمضان و

تحج البيت ان استطعت اليه سبيلا قال صدقت

حج خانه کعبه کنی اگر بتوانی بسوی او راه رفتن را گفت آن شخص در جواب که راست

فعجبنا له يسأله ويصدقه قال فاخبرني عن الايمان قال

تعجب کردیم ما بآن شخص که سوال هم میکند از آنحضرت وتصدیق هم میکند آنحضرت را باز گفت آن شخص که

ان تؤمن بالله وملئكته وكتبه ورسله واليوم

که ایمان آری بخدا وفرشتگان وی وکتابهای وی وپیغمبران وی وبروز

الآخر وتؤمن بالقدر خيره وشره قال صدقت قال

قیامت وایمان آری بتقدیر نیکی آن وبدی آن … گفت راست گفتی

فاخبرني عن الاحسان قال ان تعبد الله كانك تراه

پس خبر کن مرا از احسان فرمود احسان اینست که بندگی کنی خاص خدا را گویی او

فان لم تكن تراه فانه يراك قال فاخبرني عن الساعة

پس اگر تو نبینی او را پس وی تعالی ترا می بیند باز گفت پس خبر کن مرا از وقت برپا شدن قیامت

قال ما المسئول عنها باعلم من السائل قال فاخبرني عن

فرمود آنحضرت نیست سوال کرده شده از آن داناتر از سائل … باز گفت آن شخص پس خبر کن مرا

أَمَارَاتِهَا قَالَ أَنْ تَلِدَ الْأَمَةُ رَبَّتَهَا وَأَنْ تَرَى الْحُفَاةَ الْعُرَاةَ

علامات قیامت اینست که بزاید کنیز ... آنکه ببینی تو پا برهنگان محتاجان

الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ ثُمَّ انْطَلَقَ

چرانندگان گوسفندان را که فخر کنند در ساختن عمارتها پس ازان رفت

فَلَبِثْتُ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ يَا عُمَرُ أَتَدْرِي مَنِ السَّائِلُ قُلْتُ اللّٰهُ

آن شخص پس درنگ کردم ساعتی دراز پس ازان فرمود آنحضرت صلعم ای عمر آیا میدانی که کیست آن شخص

وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ فَإِنَّهُ جِبْرَائِيلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ

ورسول او داناتر اند فرمود بدرستی این شخص جبرائیل بود آمده بود پیش شما تا بیاموزد دین شما را

رَوَاهُ مُسْلِمٌ الْحَدِيثُ الثَّالِثُ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمٰنِ

روایت کرد این حدیث را مسلم حدیث سوم روایت است از پدر عبد الرحمن

بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ

پسر عمر بن الخطاب رضی الله تعالی عنهما که گفت شنیدم رسول خدا

صَلَّى اللّٰهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ بُنِيَ الْإِسْلَامُ

صلی الله تعالی علیه وآله وسلم را که میفرمود بنا کرده شده است مسلمانی

عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ

بر پنج چیز یکی ازان گواهی دادن بر آنکه نیست هیچ معبودی غیر از خدای تعالی و بدرستی محمد صلعم بنده

رَسُولُهُ وَإِقَامِ الصَّلٰوةِ وَإِيتَاءِ الزَّكٰوةِ وَحَجِّ الْبَيْتِ وَصَوْمِ

و رسول وی است دوم ازان برپا کردن نماز است و سوم دادن زکوة است و چهارم حج کردن خانه

رَمَضَانَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ الْحَدِيثُ الرَّابِعُ

ماه رمضان است روایت کرد این حدیث را بخاری و مسلم حدیث چهارم

عن أبي عبد الرحمن عبد الله بن مسعود رضي الله تعالى

روایت است از عبد الرحمن عبد الله بن مسعود رضي الله تعالى

عنه قال حدثنا رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله

عنه که گفت خبر داد ما را رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله

وسلم وهو الصادق المصدوق إن أحدكم يجمع خلقه

وسلم و حال آنکه وی راست گو و راست گفته شده است او را که بدرستی یکی از شما جمع میشود

في بطن أمه أربعين يوما نطفة ثم يكون علقة

در شکم مادر وی چهل روز قطره منی میباشد پس از آن میشود خون بسته

مثل ذلك ثم يرسل الملك فينفخ فيه الروح ويؤمر

مانند آن یعنی چهل روز پس از آن میشود پاره گوشت مانند آن یعنی چهل روز پس از آن فرستاده میشود فرشته

بأربع كلمات بكتب رزقه وأجله وعمله وشقي

و امر کرده میشود آن فرشته بنوشتن چهار کلمه میتوید روزی او و اجل او و عمل او و از نیک

أو سعيد فوالذي لا إله غيره إن أحدكم ليعمل بعمل

و بد و این را که بدبخت است یا نیک بخت پس سوگند بآن ذات که نیست هیچ معبود غیر از وی بدرستی یکی از شما

أهل الجنة حتى ما يكون بينه وبينها إلا ذراع فيسبق

اهل جنت تا آنکه نمی باشد درمیان وی و درمیان جنت مگر بقدر یک گز پس پیش

عليه الكتاب فيعمل بعمل أهل النار فيدخلها وإن أحدكم

بر وی آن نوشته ازل پس عمل میکند وی بعمل اهل دوزخ پس می در آید در دوزخ و بدرستی یکی از شما

ليعمل بعمل أهل النار حتى ما يكون بينه وبينها إلا ذراع

هر آینه عمل میکند بعمل اهل دوزخ تا آنکه نمی باشد میان وی و میان دوزخ مگر بقدر یک گز

فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ اَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا

پس مى ربخا[ل] سبقت ميكند بروى سرنوشت ازل پس عمل ميكند بعمل اهل بهشت . پس مى درآيد بهشت

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ اَلْحَدِيْثُ الْخَامِسُ عَنْ اُمِّ

روايت كرد اينحديث را بخارى و مسلم حديث پنجم ف ا از مادر

الْمُؤْمِنِيْنَ اُمِّ عَبْدِ اللّٰهِ عَائِشَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهَا

مومنان مادر عبد الله ف ٢ عائشه صديقه رضى الله تعالى عنها

قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ

گفت فرمود رسول خدا صلى الله تعالى عليه و آله وسلم

مَنْ اَحْدَثَ فِيْ اَمْرِنَا هٰذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

كسى كه نو پيدا كرد در كار دين حق اسلام ست اينچيزى را كه نيست از دين پس آنچيز مردود و باطل ست ف ٥ روايت

وَمُسْلِمٌ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ اَمْرُنَا

و مسلم و در يك روايت براى مسلم چنين آمده ست كسيكه عمل كند عملى كه نيست بروى دين ما

فَهُوَ رَدٌّ اَلْحَدِيْثُ السَّادِسُ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ النُّعْمَانِ

پس آن عمل مردود و باطل ست . حديث ششم ف ٦ روايتست از عبد الله نعمان

بْنِ بَشِيْرٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُمَا قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ

پسر بشير رضى الله تعالى عنهما كه گفت شنيدم رسول خدا

صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ الْحَلَالَ بَيِّنٌ وَّ

صلى الله تعالى عليه وآله وسلم را ميفرمود بدرستيكه چيزهاى حلال ظاهر و روشن

اِنَّ الْحَرَامَ بَيِّنٌ وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيْرٌ

و بدرستى چيزهاى حرام ظاهر و روشنند و ميان حلال و حرام چيزهاست كه مانند و مشابهاند هم بحلال و حرام

نميشناسد آنچيزها را بسيارى مردم

مِنَ النَّاسِ فَمَنِ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعِرْضِهِ

از مردم پس هر که پرهیز کند شبهات را طلب بیزاری کرد برای دین خود و عرض خود

وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ

و کسیکه بیفتد در چیزهای مشتبه بیفتد در حرام مانند چراننده که میچراند مویشی خود را گرد

الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَقَعَ فِيهِ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى أَلَا

چراگاه خاص بادشاه نزدیکست که بیفتد وی در چراگاه خاص بادشاه، آگاه باشید بدرستیکه هر بادشاه را چراگاه است آگاه باشید

وَإِنَّ حِمَى اللهِ تَعَالَى مَحَارِمُهُ أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً

که بدرستیکه چراگاه خدایتعالی چیزهائی حرام کرده ویند آگاه باشید که بدرستیکه در بدن آدمی پاره گوشت است

إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ

وقتیکه نیک شود وی نیک شود بدن تمام آن و وقتیکه تباه شود آن پاره گوشت تباه شود

الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ

بدن تمام ان آگاه باشید که آن پاره گوشت دل است روایت کرد این را بخاری و مسلم

الْحَدِيثُ السَّابِعُ عَنْ أَبِي رُقَيَّةَ تَمِيمِ بْنِ أَوْسٍ الدَّارِيِّ

حدیث هفتم روایتست از ابی رقیه تمیم پسر اوس داری

رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ

رضی الله تعالی عنه که بدرستیکه پیغمبر صلی الله تعالی علیه و آله

وَسَلَّمَ قَالَ الدِّينُ النَّصِيحَةُ قُلْنَا لِمَنْ قَالَ لِلّٰهِ تَعَالَى

وسلم فرمود دین خیرخواهی است گفتیم ما این خیرخواهی برای کیست فرمود

وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ رَوَاهُ

و برای کتاب وی و برای رسول وی و برای ائمه مسلمانان و عوام ایشان روایت کرد او را

البخاري ومسلم الحديث الثامن عن ابن

بخاری ومسلم حدیث هشتم روایت ست از ابن

عمر رضي الله تعالى عنهما ان رسول الله صلى الله

عمر رضی الله تعالی عنهما که بدرستی رسول خدا صلی الله

تعالى عليه واله وسلم قال امرت ان اقاتل الناس

تعالی علیه واله وسلم فرمود امر کرده شده ام بانکه قتال کنم با مردم

حتى يشهدوا ان لا اله الا الله وان محمدا رسول

تا آنکه گواهی دهند ایشان بر اینکه نیست هیچ معبودی غیر از خدا تعالی و بدرستی محمد فرستاده

الله ويقيموا الصلوة ويؤتوا الزكوة فاذا فعلوا

وی است و قائم کنند نماز را و بدهند زکوة را پس چون کردند ایشان

ذلك عصموا مني دماءهم واموالهم الا بحق الاسلام

این کار را نگاه داشتند از من خونهای خود ومالهای خود را مگر بحق اسلام

وحسابهم على الله رواه البخاري ومسلم الحديث

وحساب ایشان بر خداست روایت کرد این حدیث را بخاری ومسلم حدیث

التاسع عن ابي هريرة عبد الرحمن بن صخر رضي الله

نهم روایت ست از ابو هریره عبد الرحمن بن صخر رضی الله

تعالى عنه قال سمعت رسول الله صلى الله تعالى عليه

تعالی عنه که گفت شنیدم رسول خدا صلی الله تعالی علیه

واله وسلم يقول ما نهيتكم عنه فاجتنبوه وما امرتكم

واله وسلم میفرماید آنچه منع کردم شما را از آن پس احتراز کنید از آن وآنچه امر کنم

شما را

به فافعلوا منه ما استطعتم فانما اهلك الذين من

بان پس کنید آنچه بتوانید پس جز این نیست که هلاک کرد کسانی را که پیش

قبلكم كثرة مسائلهم واختلافهم على انبيائهم

از شما بودند بسیاری سوال های ایشان امری را در بی حاجت و ضرورت اختلاف ایشان بر پیغمبران

رواه البخاري ومسلم الحديث العاشر عن

روایت کرد این حدیث را بخاری و مسلم حدیث دهم روایت است از

ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى

ابی هریره رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود رسول خدا صلی الله

الله تعالى عليه وآله وسلم ان الله تعالى طيب لا يقبل

تعالی علیه وآله وسلم که بدرستی خدا تعالی پاک است قبول نمیکند

الا طيبا وان الله امر المؤمنين بما امر به المرسلين

مگر پاک را یعنی عمل نیک که از شرک و ریا پاک باشد و صدقه که از مال حلال باشد ۱۲ و بدرستیکه خدا تعالی

فقال الله تعالى يا ايها الرسل كلوا من الطيبات و

پس فرمود خدا تعالی یعنی پیغمبران را که ای پیغمبران خورید از چیزهای پاک

اعملوا صالحا وقال الله تعالى يا ايها الذين امنوا كلوا

و کنید کار نیک را و فرمود خدا تعالی یعنی مومنان را ای آنکسانیکه ایمان آورده اید

من طيبات ما رزقناكم ثم ذكر الرجل يطيل السفر

از حلال آنچه روزی داده ایم شما را پس از آن ذکر کرد آنحضرت شخصی را که دراز کند سفر را

اشعث اغبر يمد يديه الى السماء يا رب يا رب و

باشد ژولیده موی خاک آلوده دراز میکند هر دو دست خود بطرف آسمان و میگوید ای پروردگار من

مطعمه حرام ومشربه حرام وملبسه حرام وغذي

حال آنکه باشد خوردنی حرام وآشامیدنی حرام وحال آنکه باشد پوشیدنی حرام و پرورده شده

بالحرام فأنى يستجاب لذلك رواه مسلم الحديث

بحرام پس چگونه قبول خواهد شد دعا برای این شخص روایت کرد این را مسلم حدیث

الحادي عشر عن أبي محمد الحسن بن علي بن أبيطالب

یازدهم روایت است از ابی محمد امام حسن پسر جناب علی بن ابی طالب

سبط رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم

نواسه رسول خدا صلی الله تعالی علیه وآله وسلم

وريحانته رضي الله تعالى عنهما قال حفظت من رسول

و فرزند راحت جان وی رضی الله تعالی عنهما که گفت یاد کردم از رسول

الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم دع ما يريبك

الله صلی الله تعالی علیه وآله وسلم این را بگذار و ترک کن آنچه را که

إلى ما لا يريبك رواه الترمذي والنسائي وقال

و قصد کن بآنچه که در شک نیندازد تو را روایت کرد این حدیث را ترمذی و نسائی و گفت

الترمذي حديث حسن صحيح الحديث الثاني

ترمذی که این حدیث حسن است صحیح حدیث دوازدهم

عشر عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال

روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود

رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم من حسن

رسول خدا صلی الله تعالی علیه وآله وسلم از خوبی

١٢

إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِيهِ حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ

اسلام شخص ترک کردن ولیست انچیز را که فایده نرساند و را ایں حدیث حسن است روایت کرد

التِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهُ ‌ الْحَدِيثُ الثَّالِثَ عَشَرَ

این را ترمذی وغیره حدیث سیزدهم

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ خَادِمِ

روایت است از ابی حمزه انس پسر مالک رضی الله تعالی عنه خادم

رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ

رسول الله صلی الله تعالی علیه وآله وسلم که بدرستی آنحضرت فرمود

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ

ایمان نیاورد یکے از شما تا آنکه دوست دارد برائے برادر خود آنچه دوست دارد

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ ‌ الْحَدِيثُ الرَّابِعَ عَشَرَ

روایت کرد این را بخاری ومسلم حدیث چهاردهم

عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

از عبد الله ابن مسعود رضی الله تعالی عنه که فرمود رسول الله صلی

صَلَّى اللّٰهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ

الله تعالی علیه وآله وسلم حلال نمیشود خون مرد مسلمان

إِلَّا بِإِحْدَى ثَلَاثٍ الثَّيِّبُ الزَّانِي وَالنَّفْسُ بِالنَّفْسِ وَالتَّارِكُ

مگر بسبب یکے ازین سه کار یکے آنکه باشد منکوحه و از زنا کند دوم کشتن بقصاص سوم ترک کننده

لِدِينِهِ الْمُفَارِقُ لِلْجَمَاعَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ

دین خود فعل جدا شونده از جماعت مسلمانان روایت کرد این را بخاری ومسلم

الحديث الخامس عشر عن ابي هريرة رضي

حديث پانزدهم روايت ست از ابي هريره رضي

الله تعالى عنه عن رسول الله صلى الله تعالى عليه واله

الله تعالى عنه كرد روايت كرد از رسول خدا صلى الله تعالى عليه وآله

وسلم قال من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل

وسلم كه فرمود كسے كه ايمان ميدارد بخدا تعالى وبروز قيامت پس بايد كه گويد

خيرا او ليصمت ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر

سخن نيك ويا خموش شود وكسيكه ايمان ميدارد بخدا تعالى وبروز قيامت

فليكرم جاره ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر

پس بايد كه بزرگ دارد همسايه خود را وكسي كه ايمان ميدارد بخدا تعالى وبروز قيامت

فليكرم ضيفه رواه البخاري ومسلم الحديث

پس بايد كه گرامے دارد مهمان خود را روايت كرد اين را بخاري ومسلم ف حديث

السادس عشر عن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه

شانزدهم روايت ست از ابي هريره رضي الله تعالى عنه

ان رجلا قال للنبي صلى الله تعالى عليه واله وسلم

كه بدرستيكه شخصے گفت مر پيغمبر را صلى الله عليه واله وسلم

اوصني قال لا تغضب فردد مرارا قال لا تغضب

كه نصيحت كن مرا فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم كه غصه مكن پس مكرر كرد آن شخص چند بار آنرا فرمود آن حضرت

رواه البخاري الحديث السابع عشر عن ابي

روايت كرد اين را بخاري حديث هفدهم روايت ست از ابي

يعلى شداد بن اوس رضى الله تعالى عنه عن رسول

يعنى شداد بن اوس رضى الله تعالى عنه كه وى روايت كرده است از رسول

الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم قال ان الله تعالى

الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم كه فرمود بدرستى كه خداى تعالى

كتب الاحسان على كل شیء فاذا قتلتم فاحسنوا

نوشته مقرر كرده احسان نيكى كردن بر هر چيزے پس وقتيكه قتل كنيد كسى را پس خوب كنيد

القتلة واذا ذبحتم فاحسنوا الذبحة وليحد احدكم

قتل كردن را ودچون ذبح كنيد حيوان را پس نيك كنيد ذبح او را وبايد كه تيز كند يكى از شما

شفرته وليرح ذبيحته رواه مسلم الحديث

كارد خود را براى ذبح وبايد كه راحت دهد يعنى به پهلو نگذارد ذبيحه خود را وقت ذبح كردن بعد آن كه جان او برآيد

الثامن عشر عن ابى ذر جندب بن جنادة وابى عبد

حديث هژدهم روايت است از ابى ذر جندب پسر جناده واز ابى عبد

الرحمن معاذ بن جبل رضى الله تعالى عنهما ان رسول

الرحمن معاذ بن جبل رضى الله تعالى عنهما كه بدرستى رسول

الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم قال اتق الله حيثما

خدا صلى الله تعالى عليه وآله وسلم فرمود بترس از خداى تعالى هر جاكه باشى

ما كنت واتبع السيئة الحسنة تمحها وخالق الناس

يعنى در خلوت وجلوت در حضر وسفر ودر حالت غضب وعدم آن وبيار در پس بدى نيكى را تا كه دور كند آن نيكى بدى را

بخلق حسن رواه الترمذى وقال حديث حسن وفى

بخوى نيك روايت كرد اين حديث را ترمذى وگفت كه اين حديث حسن است ودر

١٥

نعض النسخ حسن الحديث التاسع عشر عن ابي

بعض نسخہا از مدی چنین گفتہ کہ این حدیث حسن است حدیث نوزدہم روایت است از

العباس عبد الله بن عباس رضي الله تعالى عنهما قال

ابی العباس عبد الله بن عباس رضی الله تعالی عنهما کہ گفت

كنت خلف النبي صلى الله تعالى عليه وآله وسلم

بودم من در پس پیغمبر صلی الله تعالی علیه وآله وسلم

فقال يا غلام اني اعلمك كلمات احفظ الله يحفظك

پس فرمود مرا ای کودک آیا بیاموزم ترا کلمات مفیده واین است کہ نگہدار رضای خدا را

احفظ الله تجده تجاهك اذا سألت فاسئل الله واذا

نگہدار رضای خدا را در ہر باب تا کہ بیابی وی را حاضر پیش روی خود چون سوال کنی پس بپرس از

استعنت فاستعن بالله واعلم ان الامة لو اجتمعت

مدد خواہی از کسی پس مدد خواہ از خدا ایشان و بدان بیقین کہ ہر آئینہ تمام گروہ از جن

على ان ينفعوك بشيء لم ينفعوك بشيء قد كتبه

براینکہ نفع رسانند ترا بہ چیزی نفع نرسانند ترا ہرگز مگر بچیزی کہ البتہ نوشتہ است

الله لك وان اجتمعوا على ان يضروك لم يضروك

خدا تعالی در تقدیر برای تو واگر جمع شوند ہمہ ایشان براینکہ ضرر رسانند ترا ضرر رسانند

الا بشيء قد كتبه الله عليك رفعت الاقلام وجفت

مگر بچیزی کہ البتہ نوشتہ است آنرا خدا تعالی در تقدیر بر تو بردہ شد قلمہا کہ تقدیر از

الصحف رواه الترمذي وقال حديث حسن صحيح

وامر ہای تقدیر ... محفوظ انداز تغییر روایت کرد این حدیث را ترمذی وگفت کہ این حدیث حسن صحیح

16

وفي رواية غير الترمذي احفظ الله تجده امامك

تعرف الى الله في الرخاء يعرفك في الشدة واعلم ان

ما اخطأك لم يكن ليصيبك وما اصابك لم يكن

ليخطئك واعلم ان النصر مع الصبر وان الفرج مع

الكرب وان مع العسر يسرا

الحديث العشرون

١٧ عن ابي مسعود عقبة بن عمرو الانصاري البدري

رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله

تعالى عليه وآله وسلم ان مما ادرك الناس من

كلام النبوة الاولى اذا لم تستحي فاصنع ما شئت

رواه البخاري

الحديث الحادي والعشرون

الحديث الثاني والعشرون

عن ابي عبد الله جابر بن عبد الله الانصاري رضي

روایت است از ابی عبد الله جابر پسر عبد الله انصاری رضی

الله تعالى عنهما ان رجلا سال رسول الله صلى الله تعالى عليه

الله تعالی عنهما که بدرستیکه مردی سوال کرد رسول الله صلی الله تعالی علیه

واله وسلم فقال ارايت اذا صليت المكتوبات و

واله وسلم پس گفت با آنحضرت خبر کن مرا باینکه چون گزاریم نمازهای فرض را

صمت رمضان واحللت الحلال وحرمت الحرام ولم

و روزه داشتم ماه رمضان را و حلال کردم چیزهای حلال را و حرام کردم چیزهای حرام را

ازد على ذلك شيئا ادخل الجنة قال نعم رواه مسلم ومعنى

و زیاده کردم بران چیزی ما از نوافل و مستحبات آیا داخل شوم بجنت گفت بلی روایت کرد او را مسلم و معنی حضرت

حرمت الحرام اجتنبته ومعنى احللت الحلال فعلته

و معنی حرام کردم چیزهای حرام را اینکه اجتناب کردم از آن و معنی حلال کردم چیزهای حلال را اینکه

معتقدا حله والله اعلم الحديث الثالث والعشرون

و بعمل آوردم آن را در حالیکه اعتقاد داشتم حلال بودن آن را و خدا داناترست حدیث بیست و سوم

عن ابي مالك الحارث بن عاصم الاشعري رضي الله

روایت است از ابی مالک حارث پسر عاصم اشعری رضی الله

تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله تعالى عليه

تعالی عنه که گفت فرمود رسول الله صلی الله تعالی علیه

واله وسلم الطهور شطر الايمان والحمد لله يملا

واله وسلم طهارت نصف ایمان است و الحمد لله پر میکند

الميزان وسبحان الله والحمد لله يملآن او يملأ ما

همانا وی عمل را وذکر سبحان الله والحمد لله گفتن پر میکنند هر دو را یا پر میکند هر یک بقدر

بين السموات والارض والصلوة نور والصدقة

که در میان آسمانها و زمین است و نماز روشن کننده دل است و صدقه

برهان والصبر ضياء والقرآن حجة لك او عليك

یعنی زکوة دلیل است بر ایمان و محبت خدا و صبر بر طاعت و کف از معصیت روشنی است و قرآن

كل الناس يغدو فبائع نفسه فمعتقها او موبقها

رواه مسلم الحديث الرابع والعشرون عن ابي

روایت کرد این را مسلم حدیث بیست و چهارم

١٩

ذر رضي الله تعالى عنه عن النبي صلى الله عليه وآله

روایت است از ابی ذر رضی الله تعالی عنه که روایت کرد از پیغمبر صلی الله علیه وآله

وسلم فيما يرويه عن الله تعالى عز وجل انه قال

يا عبادي اني حرمت الظلم على نفسي وجعلته بينكم

محرما فلا تظالموا يا عبادي كلكم ضال الا من هديته

فاستهدوني اهدكم يا عبادي كلكم جائع الا من

أطعمته فاستطعموني أطعمكم يا عبادي كلكم عار

إلا من كسوته فاستكسوني أكسكم يا عبادي إنكم

تخطئون بالليل والنهار وأنا أغفر الذنوب جميعا فا

ستغفروني أغفر لكم يا عبادي إنكم لن تبلغوا ضري

فتضروني ولن تبلغوا نفعي فتنفعوني يا عبادي لو أن

أولكم وآخركم وإنسكم وجنكم كانوا على أتقى قلب

رجل واحد منكم ما زاد ذلك في ملكي شيئا يا عبادي

لو أن أولكم وآخركم وإنسكم وجنكم كانوا على

أفجر قلب رجل واحد منكم ما نقص ذلك من ملكي

شيئا يا عبادي لو أن أولكم وآخركم وإنسكم وجنكم

فقاموا في صعيد واحد فسألوني فأعطيت كل انسان

مسألته ما نقص ذلك مما عندي الا كما ينقص

المخيط اذا ادخل البحر يا عبادي انما هي اعمالكم

سوزن وقتی که در آورده شود آن سوزن در دریا ای بندگان من جز این نیست که این همه کارهای

احصيها لكم ثم اوفيكم اياها فمن وجد خيرا فليحمد

ازان شما ...

الله ومن وجد غير ذلك فلا يلومن الا نفسه رواه

و کسی که یافت غیر آن ... پس ملامت نکند مگر نفس خود را ... روایت کرد این

مسلم الحديث الخامس والعشرون عن ابي

مسلم حدیث بیست و پنجم روایت است از

ذر رضي الله تعالى عنه ان اناسا من اصحاب رسول

ابی ذر رضی الله تعالی عنه اینکه بدرستیکه بعضی مردم از اصحاب رسول

الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم قالوا للنبي

خدا صلی الله تعالی علیه و آله و سلم گفتند مر نبی

صلى الله تعالى عليه وآله وسلم يا رسول الله ذهب

صلی الله تعالی علیه و آله و سلم که ای رسول خدا رفتند

اهل الدثور بالاجور يصلون كما نصلي ويصومون

صاحبان مال دنیا با جرهای بسیار زیرا که نماز می گذارند چنانچه ما میگذاریم و روزه میدارند

٢١

كما نصوم ويتصدقون بفضول اموالهم قال اوليس

چنانکه ما روزه میداریم و صدقه میدهند ایشان بزیادت اموال خود یعنی بسبب فضل توفیق آن بخلاف ما

قد جعل الله لكم ما تصدقون به إن بكل تسبيحة

بدرستی گردانیده است خدا تعالی برای شما آنچه صدقه دهید بآن مال آن چیست که بدرستی بهر گفتن سبحان الله

صدقة وكل تكبيرة صدقة وكل تحميدة صدقة

گفتن ثواب یک صدقه است و هر الله اکبر گفتن یک صدقه است و هر الحمد لله گفتن یک صدقه است

وكل تهليلة صدقة وامر بالمعروف صدقة ونهي

و هر لا اله الا الله گفتن یک صدقه است وامر کردن بمعروف یک صدقه است و باز داشتن

عن المنكر صدقة وفي بضع احدكم صدقة قالوا

از کار بد یک صدقه است و در جماع کردن یکے از شما یک صدقه است گفتند صحابه

يا رسول الله ايأتي احدنا شهوته ويكون له فيها

یا رسول الله ایا می آید یکے از ما بمنکوحه خود برای دفع شهوت خود و می باشد برای او

اجر قال ارأيتم لو وضعها في حرام أكان عليه

اجر و ثواب فرمود آنحضرت خبر دهید مرا اگر نهاد آن شخص آلت خود را در حرام آیا باشد بر وے

وزر فكذلك اذا وضعها في الحلال كان له اجر رواه

گناه گفتند آرے فرمود پس همچنین وقتیکه نهاد آلت خود را در فرج منکوحه حلال باشد برا او اجر

مسلم الحديث السادس والعشرون عن ابي هريرة

روایت کرد این مسلم حدیث بیست و ششم روایت است از ابی هریره

رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله

رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود رسول الله صلی الله

۲۳

تعالى عليه وآله وسلم كل سلامى من الناس عليه

تعالى عليه وآله وسلم هر بندی از بندهای اعضای بدن انسان مر او راست

صدقة كل يوم تطلع فيه الشمس تعدل بين

یکصدقه هر روزیکه بر آید در آن روز آفتاب عدل صدقه است صلح کنی

الاثنين صدقة وتعين الرجل في دابته فتحمله

در میان دو نفر این هم صدقه است و دیگر مدد کنی با شخصی در چارپای وی پس سوار کنی او را

عليها او ترفع له عليها متاعه صدقة والكلمة

بر آن یا بردارید برای آن شخص بر آن چارپا اسباب وی را این هم صدقه است و سخن

الطيبة صدقة وبكل خطوة تمشيها الى الصلوة

خوش لفظی که باشد صدقه است و هر قدمی که میروی آن قدم سوی نماز

صدقة وتميط الاذى عن الطريق صدقة رواه البخاري

این هم صدقه است و دیگر دور کنی خس و خاشاک و خار را از راه این هم صدقه است روایت کرده

ومسلم الحديث السابع والعشرون عن

و مسلم حدیث بیست و هفتم روایت است از

النواس بن سمعان رضي الله تعالى عنه عن النبي صلى

نواس بن سمعان رضی الله تعالی عنه از نبی صلی

الله تعالى عليه وآله وسلم قال البر حسن الخلق

الله تعالی علیه وآله وسلم که فرمود آنحضرت نیکی نیکی خلق است

والاثم ما حاك في نفسك وكرهت ان يطلع عليه

گناه آنچیز است که بخلد و اضطراب آرد در نفس تو و کراهت داری اینکه مطلع شوند بر وی

النَّاسُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ وَابِصَةَ بْنِ مَعْبَدٍ رَضِيَ اللهُ
تَعَالَى عَنْهُ قَالَ أَتَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ جِئْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْبِرِّ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ
اسْتَفْتِ قَلْبَكَ الْبِرُّ مَا اطْمَأَنَّتْ إِلَيْهِ النَّفْسُ وَاطْمَأَنَّ
إِلَيْهِ الْقَلْبُ وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي النَّفْسِ وَتَرَدَّدَ فِي الصَّدْرِ
وَإِنْ أَفْتَاكَ النَّاسُ حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَيْنَاهُ فِي مُسْنَدَيِ
الْإِمَامَيْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ وَالدَّارِمِيِّ بِإِسْنَادٍ حَسَنٍ
الْحَدِيثُ الثَّامِنُ وَالْعِشْرُونَ عَنْ أَبِي نَجِيحٍ
الْعِرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ وَعَظَنَا
رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَوْعِظَةً

بليغة وجلت منه القلوب وذرفت منها العيون فقلنا

ونصيحت نہ رسانیدہ که ترسیدند ازان دلها واشک بارید ازان چشمها پس گفتیم

يا رسول الله كأنها موعظة مودع فأوصنا قال

یا رسول خدا گویا که این پند کسیست که وداع کننده باشد پس نصیحت کن ما را

أوصيكم بتقوى الله عز وجل والسمع والطاعة

نصیحت میکنم شما را به پرہیزگاری و ترسیدن از خدا عزیز و جلیل و شنیدن و فرمانبرداری

وإن تأمر عليكم عبد حبشي فإنه من يعش منكم

و اگر چه امیر شود بر شما غلام حبشی پس هر کسی که زندگی کند از شما بعد از من

فسيرى اختلافا كثيرا فعليكم بسنتي وسنة

پس می بیند اختلاف بسیار را در مردم پس در آن وقت لازم است بر شما گرفتن سنت من و سنت

الخلفاء الراشدين المهديين تمسكوا بها وعضوا عليها

خلیفه های راه یافتگان من چنگ زنید بآن سخت بگیرید آن را

بالنواجذ وإياكم ومحدثات الأمور فإن كل محدثة

به دندانهای محکم دور دارید خود را از کارهای نو برآمده زیرا که هر نو پیدا کرده

بدعة وكل بدعة ضلالة رواه أبو داود والترمذي

بدعت است و هر بدعت گمراهیست روایت کرد او را ابو داود و ترمذی و گفت ترمذی که

وقال حديث حسن صحيح الحديث التاسع و

این حدیث حسن صحیح است — حدیث بیست نهم

العشرون عن معاذ بن جبل رضي الله تعالى عنه قال

روایت است از معاذ بن جبل رضی الله تعالی عنه که گفت

٢٥

قلت یا رسول الله اخبرنی بعمل یدخلنی الجنة ویباعدنی

گفت معاذ گفتم یا رسول خدا خبر کن مرا بکاری که داخل کند مرا در جنت و دور کند مرا

من النار قال لقد سألت عن امر عظیم وانه لیسیر علی

از دوزخ فرمود آنحضرت به تحقیق پرسیدی از کاری بزرگ و به درستی که این کار آسان است

من یسره الله تعالی علیه تعبد الله ولا تشرک به شیئا

آسان گرداند آن را خدای تعالی بر آنکس و آن کار اینست که عبادت کنی خدا را و شریک نکنی با وی چیزی

وتقیم الصلوة وتؤتی الزکوة وتصوم رمضان وتحج

و قائم کنی نماز را و بدهی زکوة را و روزه داری ماه رمضان را و حج کنی

البیت ثم قال الا ادلک علی ابواب الخیر الصوم جنة

خانه کعبه را پس فرمود آنحضرت آیا دلالت نکنم ترا بر درهای نیکی روزه سپر است

والصدقة تطفی الخطیئة کما یطفی الماء النار وصلوة

و دیگر صدقه ... گناه را چنانکه سرد میکند آب آتش را و دیگر نماز

الرجل فی جوف اللیل ثم تلا تتجافی جنوبهم عن المضاجع

مرد در میان شب یعنی نماز تهجد پس خواند آنحضرت این آیت را برای استشهاد

حتی بلغ یعملون ثم قال الا اخبرک برأس الامر وعموده

تا آنکه رسید آنحضرت بلفظ یعملون پس فرمود آیا خبر کنم ترا باصل و ستون

وذروة سنامه قلت بلی یا رسول الله قال رأس الامر

و ستون دین ... گفتم آری ای رسول خدا فرمود سر همه کارها

الاسلام وعموده الصلوة وذروة سنامه الجهاد

دین اسلام است یعنی انقیاد گردن نهادن و قبول کردن ... احکام دین را و ستون دین

٥ بکسر میم و فتح آن هر دو آمده لغة قلیل در حدیث بکسر روایت است ۱۲ شیخ

ثُمَّ قَالَ أَلَا أُخْبِرُكَ بِمِلَاكِ ذٰلِكَ كُلِّهِ قُلْتُ بَلَىٰ يَا نَبِيَّ

بعد از آن فرمود آنحضرت آیا خبر دهم ترا بچیزی که قوام و نظام همین همه کارها که مذکور شد باشد گفتم آری ای پیغمبر

اللّٰهِ فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ وَقَالَ كُفَّ عَلَيْكَ هٰذَا فَقُلْتُ يَا

خدا پس گرفت آن حضرت زبان مبارک خود را و فرمود باز دار و نگهدار بر خود این زبان خود را

نَبِيَّ اللّٰهِ وَإِنَّا لَمُؤَاخَذُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ فَقَالَ ثَكِلَتْكَ

ای پیغمبر خدا آیا ما یان گرفته خواهیم شد بچیزی که کلام میکنیم بآن پس فرمود آنحضرت بگریید ترا

أُمُّكَ يَا مُعَاذُ وَهَلْ يَكُبُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ

مادر تو ای معاذ و آیا می اندازد و نگون مردم را در آتش دوزخ سرنگون بر بینیهای ایشان

أَوْ عَلَىٰ مَنَاخِرِهِمْ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

یا بر بینیهای ایشان مگر درود کرده های زبانهای ایشان روایت کرد این را ترمذی

وَقَالَ حَدِيثٌ حَسَنٌ اَلْحَدِيثُ الثَّلَاثُونَ عَنْ أَبِي

و ترمذی گفت که حدیث حسن است حدیث سی ام روایت است از ابی

ثَعْلَبَةَ الْخُشَنِيِّ جُرْثُومِ بْنِ نَاشِرٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَىٰ عَنْهُ

ثعلبه خشنی جرثوم پسر ناشر رضی الله تعالی عنه که وی

عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالَىٰ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

روایت کرد از رسول خدا صلی الله تعالی علیه و آله و سلم که فرمود

إِنَّ اللّٰهَ تَعَالَىٰ فَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا وَحَدَّ

بدرستی که خدا تعالی فرائض را فرض کرده بر شما فرضیها پس ضایع مکنید آنها را بترک کردن آنها

حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا وَحَرَّمَ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا

حدها را پس تجاوز مکنید از آنها و حرام کرده بر شما بعضی چیزها را پس بی حرمتی مکنید آنها را با بر آن آنها

٢٧

وَسَكَتُّ عَنْ أَشْيَاءَ رَحْمَةً لَكُمْ مِنْ غَيْرِ نِسْيَانٍ فَلَا

دخاموش شد از بعضے چیزہا برای رحمت برشما نہ از فراموشے پس

تَبْحَثُوا عَنْهَا حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ الدَّارُ قُطْنِيُّ وَغَيْرُهُ

بحث مکنید از آنہا یعنے جستجو بسیار در آن مکنید کہ موجب غلو فی الدین شود حدیث حسن ست روایت کرد

اَلْحَدِيثُ الْحَادِي وَالثَّلٰثُونَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ

حدیث سی و یکم روایت ست از ابی عباس

سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ

سہل پسر سعد ساعدیے رضے اللہ تعالے عنہ کہ گفت

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

آمد شخصے نزد پیغمبر صلے اللہ تعالے علیہ وآلہ وسلم

فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ دُلَّنِي عَلٰى عَمَلٍ إِذَا عَمِلْتُهُ أَحَبَّنِي اللّٰهُ

پس گفت ای رسول خدا راہ نما مرا برکاری کہ چون کنم آنرا دوست دارد مرا خدا تعالے

وَأَحَبَّنِي النَّاسُ فَقَالَ ازْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّكَ اللّٰهُ وَ

و دوست دارند مرا مردم پس فرمود آنحضرت بی رغبت باش در دنیا کہ دوست دارد ترا خدا تعالے

ازْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبَّكَ النَّاسُ حَدِيثٌ حَسَنٌ

بی رغبت باش در آنچہ نزد مردم ست تا دوست دارند ترا مردم این حدیث حسن ست

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَغَيْرُهُ بِأَسَانِيدَ حَسَنَةٍ اَلْحَدِيثُ

روایت کرد اینرا ابن ماجہ و غیر وے باسنادہای حسن حدیث

الثَّانِي وَالثَّلٰثُونَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ سَعْدِ بْنِ مَالِكٍ

سی و دوم روایت ست از ابی سعید سعد بن مالک

٢٨

بن سنان الخدري رضي الله تعالى عنهما ان رسول

بن سنان خدری رضی الله تعالی عنهما اینکه بدرستی رسول

الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم قال لا ضرر ولا ضرار

خدا صلی الله تعالی علیه وآله وسلم فرمود نیست ضرر رسیدن و نه ضرر رسانیدن

في الاسلام حديث حسن رواه ابن ماجه والدارقطني

کسی در دین اسلام این حدیث حسن است روایت کرد این را ابن ماجه و دار قطنی

وغيرهما مسندا ورواه مالك في الموطا عن عمرو بن

و غیر ایشان با اسناد و روایت کرد این را مالک در موطا از عمرو پسر

يحيى عن ابيه عن النبي صلى الله تعالى عليه وآله وسلم

یحیی که وی روایت کرده از پدر خود و پدرش از پیغمبر صلی الله تعالی علیه وآله وسلم

مرسلا فاسقط ابا سعيد وله طرق يقوي بعضها

مرسل پس ساقط کرد مالک ابو سعید را از اسناد این حدیث و مر این حدیث را طرق است که قوت

بعضا الحديث الثالث والثلثون عن ابن

بعضی را حدیث سی و سوم روایت است از پسر

عباس رضي الله تعالى عنهما ان رسول الله صلى

عباس رضی الله تعالی عنهما اینکه بدرستی رسول خدا صلی

الله تعالى عليه وآله وسلم قال لو يعطى الناس بدعواهم

الله تعالی علیه وآله وسلم فرمود اگر داده شوند مردم بدعوی ایشان

لادعى رجال اموال اقوام ودماءهم لكن البينة على

هر آینه دعوی ناحق میکردند بسیار مردم بر مالهای مردم و خونهای ایشان لکن گواهان لازم است بر

۲۹

المدعي واليمين على من أنكر حديث حسن رواه البيهقي

مدعی و اگر گواه نباشد قسم است بر کسی که منکر شود این حدیث حسن است روایت کرد این را بیهقی

وغيره هكذا وبعضه في الصحيحين الحديث

و غیر وی این چنین و بعضی این حدیث در صحیحین است حدیث

الرابع والثلثون عن أبي سعيد الخدري رضي

سی و چهارم روایت است از ابی سعید خدری رضی

الله تعالى عنه قال سمعت رسول الله صلى الله تعالى

الله تعالی عنه که گفت شنیدم رسول خدا صلی الله تعالی

عليه وسلم يقول من رأى منكم منكرا فليغيره بيده فإن

علیه وسلم را که میفرمود کسیکه دید از شما کار ممنوع [illegible] پس باید که منع کند بدست خود

لم يستطع فبلسانه فإن لم يستطع فبقلبه وذلك أضعف

پس اگر نتواند پس باید که منع کند آنرا بزبان خود پس اگر نتواند پس باید که کراهت کند آنرا بدل خود و این [illegible]

الإيمان رواه مسلم الحديث الخامس والثلثون

ایمان روایت کرد این را مسلم حدیث سی و پنجم

عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله

روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود رسول خدا صلی الله

تعالى عليه وآله وسلم لا تحاسدوا ولا تناجشوا ولا تباغضوا

تعالی علیه وآله وسلم حسد مکنید با همدیگر و نه [illegible] کسی را و دشمنی مکنید با همدیگر

ولا تدابروا ولا يبع بعضكم على بيع بعض وكونوا عباد

و پشت مگردانید و دشمنی مکنید با همدیگر و بیع نکند بعضی از شما بر بیع بعضی دیگر و باشید بندگان

۱۳۱

الله إخوانا المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يخذله ولا يكذبه

خدا برادران باهم که مسلمان برادر مسلمان است نه ظلم کند بروی و نه خوار و فرو میگذارد و دروغ گوید

ولا يحقره التقوى ههنا ويشير إلى صدره ثلث مرار

و نه حقیر و ذلیل میدارد و پرهیزگاری اینجاست و اشارت میکرد آنحضرت بگفتن این لفظ بسینه

بحسب امرئ من الشر أن يحقر أخاه المسلم كل المسلم

بس است شخصی را از بدی و گناه آنکه خوار و حقیر بیند برادر مسلمان خود را هر چیز

على المسلم حرام دمه وماله وعرضه رواه مسلم الحديث

مسلمان بر مسلمان حرام است خون وی و مال وی و آبروی وی روایت کرد این را مسلم حدیث

السادس والثلثون عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه

سی و ششم روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه

عن النبي صلى الله تعالى عليه وآله وسلم قال من نفس عن مؤمن كربة

که روایت کرد از پیغمبر صلی الله تعالی علیه و آله و سلم که فرمود کسیکه رهائی داد مومن را از اندوهی

من كرب الدنيا نفس الله تعالى عنه كربة من كرب يوم القيمة

از اندوههای دنیا دور کند خدای تعالی از وی اندوهی را از اندوههای روز قیامت

ومن يسر على معسر يسر الله عليه في الدنيا والآخرة ومن ستر

و کسیکه آسانی کند بر صاحب سختی آسانی کند خدای تعالی بر وی در دنیا و آخرت و کسیکه بپوشد

مسلما ستره الله تعالى في الدنيا والآخرة والله في عون العبد

مسلمان را بپوشد وی را خدای تعالی در دنیا و آخرت یعنی از عذاب و فضیحت و خدای تعالی در مدد بنده

ما كان العبد في عون أخيه ومن سلك طريقا يلتمس فيه علما

ما دام که باشد بنده در مدد و یاری برادر مسلمان خود و کسیکه روان شود در راهی که میجوید در آن علم دین را

سهل الله له به طريقا الى الجنة وما اجتمع قوم في بيت من

آسان كند خداتعالى براى وى بسبب آن راه را بسوى جنت و جمع نشوند هيچ قومى در خانه از

بيوت الله يتلون كتاب الله ويتدارسونه بينهم الا نزلت عليهم

خانهاى خدا كه بخوانند ايشان كتاب خداتعالى را و بخوانند آنرا با يكديگر يا تعليم كنند آنرا در ميان خود

السكينة وغشيتهم الرحمة وحفتهم الملائكة وذكرهم الله

بر ايشان از جانب خداتعالى آرام و تسلى دل و بپوشاند ايشانرا رحمت خدا و گرداگرد ايشان آيند فرشتگان

فيمن عنده ومن بطأ به عمله لم يسرع به نسبه رواه مسلم

كه نزد وى است از فرشتگان مقرب و كسيكه پس انداخت او را عمل وى پيش نكند او را نسب وى روايت كرد اين را مسلم

هذا اللفظ الحديث السابع والثلاثون عن ابن عباس

اين الفاظ حديث سى و هفتم روايت است از ابن عباس

رضي الله تعالى عنهما عن رسول الله صلى الله تعالى عليه

رضى الله تعالى عنهما كه وى روايت كرد از رسول خدا صلى الله تعالى عليه

وآله وسلم فيما روى عن ربه قال ان الله تعالى كتب

و آله وسلم در آنچه روايت كرد آنحضرت از پروردگار خود فرمود آنحضرت بدرستى خداتعالى نوشته

الحسنات والسيئات ثم بين ذلك فمن هم بحسنة

نيكيها را و بديها را پس از آن بيان فرمود آنرا پس كسيكه قصد كند براى نيكى

فلم يعملها كتبها الله عنده حسنة كاملة وان هم

پس نكرد آنرا نويسد آن قصد كرده را خداتعالى نزد خود نيكى كامل و اگر قصد كند براى آن نيكى

بها فعملها كتبها الله عنده عشر حسنات الى سبعمائة

و كرد آنرا نويسد آن يك نيكى را خداتعالى نزد خود ده نيكى تا هفتصد

ضَعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ وَإِنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا

دو چند بلکه تا دو چندهای زیاده بسیار ازین واگر قصد کرد بکردن یک بدی پس نکرد آن را فعلا

كَتَبَهَا اللّٰهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً وَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا

نویسد آنرا خدا تعالی نزدیک خود یک نیکی کامل واگر قصد کرد بکردن بدی

كَتَبَهَا اللّٰهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ فِي

پس کرد آنرا نویسد آن کردن بدی را خدا تعالی یک بدی روایت کرد این را بخاری و مسلم در

صَحِيحَيْهِمَا بِهٰذِهِ الْحُرُوفِ فَانْظُرْ يَا أَخِي وَفَّقَنِي اللّٰهُ

صحیحین خود باین حروف یعنی باین کلمات و الفاظ پس نظر کن ای برادر من توفیق خیر دهد مرا

وَإِيَّاكَ إِلَى عِظَمِ لُطْفِ اللّٰهِ تَعَالَى وَتَأَمَّلْ هٰذِهِ الْأَلْفَاظَ

و ترا بسوی بزرگی و بسیاری لطف خدا تعالی و فکر کن درین الفاظ حدیث

وَقَوْلُهُ عِنْدَهُ إِشَارَةٌ إِلَى الْاِعْتِنَاءِ بِهَا وَقَوْلُهُ كَامِلَةً لِلتَّوْكِيدِ

و قول خدا تعالی که عنده ست اشارت است بسوی اهتمام بآن حسنه و قول وی تعالی کامله برای تاکید

وَشِدَّةِ الْاِعْتِنَاءِ وَقَالَ فِي السَّيِّئَةِ الَّتِي هَمَّ بِهَا ثُمَّ

و بسیاری اهتمام ست و فرمود دران بدیی که قصد کرد بآن پس ازآن

تَرَكَهَا كَتَبَهَا اللّٰهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً فَأَكَّدَهَا بِكَامِلَةٍ

ترک کرد آنرا اینکه نویسد آنرا خدا تعالی نزد خود یک نیکی کامل پس تاکید کرد آنرا بکامل...

وَإِنْ عَمِلَهَا كَتَبَهَا اللّٰهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً فَأَكَّدَ

واگر کرد آن بدی را نویسد آنرا خدا تعالی یک بدی پس تاکید کرد کم کردن

تَقْلِيلَهَا بِوَاحِدَةٍ وَلَمْ يُؤَكِّدْهَا بِكَامِلَةٍ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ

آن بدی را بیک و تاکید کرد آن بدی را بکامل یعنی حقیقت امر همه بکرم وی رسیده

۳۳

وَلِلّٰهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لَا يُحْصَى ثَنَاءٌ عَلَيْهِ وَبِاللّٰهِ

واحسان باکی ست مراد را وبلند ست وی شمرده نشود ثناء بروی وخاص بخدا است

التَّوْفِيقُ اَلْحَدِيثُ الثَّامِنُ وَالثَّلٰثُونَ عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ

ست توفیق خیر حدیث سی وهشتم روایت از ابوهریره

رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالَى

رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود رسول الله صلے الله تعالی علیه

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى قَالَ مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا

وآله وسلم آنکه بدرستی خدا تعالی فرمود کسیکه دشمنی کند با دوست من

فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ وَمَا تَقَرَّبَ اِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ اَحَبَّ

پس بتحقیق خبر کردم ویرا بجنگ کردن یعنی با من ونزدیکی نکرده با من بنده من بهیچ چیزی که دوست تر باشد

اِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ اِلَيَّ

نزد من از آنچه فرض کرده ام برو وهمیشه بنده من نزدیکی میکند بمن

بِالنَّوَافِلِ حَتَّى اَحْبَبْتُهُ فَاِذَا اَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ

بکردن نوافل وعبادات مستحبه تا آنکه دوست گیرم ویرا پس وقتیکه دوست گیرم ویرا باشم من گوش وی

الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي

آنکه میشنود بوی وباشم چشم وی آنکه بیند بوی وباشم دو دست وی آنکه

يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا وَاِنْ سَأَلَنِي لَاُعْطِيَنَّهُ

میگیرد بآنها وباشم پای وی آنکه میرود بآن واگر بخواهد از من چیزی البته میدهم

وَلَئِنِ اسْتَعَاذَنِي لَاُعِيذَنَّهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ اَلْحَدِيثُ

واگر پناه خواهد از چیزی بمن البته پناه میدهم اورا روایت کرده این را بخاری حدیث

خواهم بنا بر [illegible] میکنند + [illegible]

٣٥

التاسع والثلثون عن ابن عباس رضي الله تعالى

روایتست از ابن عباس رضی الله تعالی عنه

عنهما ان رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله

اینکه بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه واله

وسلم قال ان الله تعالى تجاوزلي عن امتي الخطأ و

وسلم فرمود که هرآینه خدا تعالی فروگذاشت نموده بخاطر من از امت من خطا و

النسيان وما استكرهوا عليه حديث حسن رواه

فراموشی را وآنچیز را که کرده مجبور کرده شوند بر آن حدیث حسن است روایت

ابن ماجه والبيهقي وغيرهما الحديث الاربعون

کرد این را ابن ماجه وبیهقی وغیرهما حدیث چهلم

عن ابن عمر رضي الله تعالى عنهما قال اخذ رسول

روایتست از ابن عمر رضی الله تعالی عنهما که گفت گرفت رسول

الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم بمنكبي

خدا صلی الله تعالی علیه واله وسلم هردو دوش مرا

فقال كن في الدنيا كانك غريب او عابر سبيل وكان

پس فرمود باش در دنیا آنچنان که گویا بدرستیکه مسافری یا گذرکننده راه است و بود

ابن عمر يقول اذا امسيت فلا تنتظر الصباح واذا

ابن عمر رض که میگفت اینکه وقتیکه شام کنی پس انتظار مکن صبح را وچون

اصبحت فلا تنتظر المساء وخذ من صحتك لمرضك

صبح کنی پس مکن انتظار شام را و بگیر توشه از صحت خود برای مرض خود

ع یعنی در دنیا مانند مسافر و رونده راه گذران کرده باش و در صرف و عمل از تعلقات دنیوی باز و گذار گیران دار وقتا که شب شد و صبح نیست و ... چیزیست عاقبت کار با ضد او نیست در شام انتظار صبح مکن و در صبح انتظار شام در صحت در توشه خود سعی و کوشش کن آماده باش که توشه عاقبت و دار بقا شود ١٢

ومن حيوتك لموتك رواه البخاري الحديث الحادي

واز زندگی خود برای مرگ خود روایت کرد این حدیث را بخاری حدیث چهل ویکم

والاربعون عن ابي محمد عبد الله بن عمرو بن العاص رضي

روایت ست از ابی محمد عبدالله پسر عمرو پسر عاص رضی

الله تعالى عنهما قال قال رسول الله صلى الله تعالى عليه

الله تعالی عنهما که گفت فرمود رسول خدا صلی الله تعالی علیه

واله وسلم لا يؤمن احدكم حتى يكون هواه تبعا لما جئت

واله وسلم ایمان نمی آرد یکی از شما یعنی ایمان کامل تا اینکه شود هوای نفسانی وی تابع برای آنچه

به حديث صحيح رويناه في كتاب الحجة باسناد صحيح الحديث

آمده ام بآن این حدیث صحیح ست روایت کرده شد آنرا در کتاب حجه باسناد صحیح حدیث

الثاني والاربعون عن انس رضي الله تعالى عنهما قال ٣٦

چهل و دوم روایت ست از انس رضی الله تعالی عنهما که گفت

سمعت رسول الله صلى الله تعالى عليه واله وسلم قال

شنیدم رسول خدا صلی الله تعالی علیه واله وسلم را که می فرمود

الله تبارك وتعالى يا ابن ادم انك ما دعوتني ورجوتني

خدا تبارک وتعالی ای پسر آدم بدرستی تو مادامیکه بخوانی مرا وسوال کنی از من

غفرت لك ذنوبك على ما كان فيك ولا ابالي يا ابن ادم

وامید کنی از من بیامرزم برای تو گناهان ترا هر آنچه باشد در تو وباک نکنم در آن ای پسر آدم

لو بلغت ذنوبك عنان السماء ثم استغفرتني غفرت

اگر برسند گناهان تو بکناره آسمان پس از آن طلب آمرزش کنی از من بیامرزم

كَ وَلَا اُبَالِي يَا ابْنَ اٰدَمَ اِنَّكَ لَوْ اَتَيْتَنِيْ بِقُرَابِ الْاَرْضِ خَطَايَا

ترا ویا کنم و دران ای پسر آدم بدرستیکه تو اگر بیائے نزد من بمقدار پرے زمین بگناه خطا

ثُمَّ لَقِيْتَنِيْ لَا تُشْرِكُ بِيْ شَيْئًا لَاَ تَيْتُكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً

پس از ان ملاقات کنے بمن درحالیکه شریک نکنے بمن چیزیرا در عبادت هر اینه آیم نزد تو بمقدار پری آرودی این

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ حَدِيْثٌ حَسَنٌ الْحَدِيْثُ الثَّالِثُ

روایت کرد این را ترمذیے وگفت اینحدیث حسن ست حدیث چهل وسوم

وَالْاَرْبَعُوْنَ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ

روایت ست از براء پسر عازب رضی الله تعالے عنه

قَالَ اَمَرَنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ بِسَبْعٍ

گفت امر فرمود ما یانرا پیغمبر صلے الله تعالے علیه وآله وسلم بهفت چیز

وَنَهَانَا عَنْ سَبْعٍ اَمَرَنَا بِعِيَادَةِ الْمَرِيْضِ وَاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ وَ

ومنع فرمود ما یانرا از هفت چیز امر فرمود ما را باحوال پرسے بیمار وپیروی جنازه و

تَشْمِيْتِ الْعَاطِسِ وَرَدِّ السَّلَامِ وَاِجَابَةِ الدَّاعِيْ وَاِبْرَارِ

ویرحمک الله گفتن بعطسه کننده وجواب دادن سلام وقبول کردن دعوت ودرست گردانیدن

الْمُقْسِمِ وَنَصْرِ الْمَظْلُوْمِ وَنَهَانَا عَنْ خَاتَمِ الذَّهَبِ وَعَنِ

سوگند خورنده ونصرت مظلوم ومنع فرمود ما یانرا از انگشترے طلا واز پوشیدن

الْحَرِيْرِ وَالْاِسْتَبْرَقِ وَالدِّيْبَاجِ وَالْمِيْثَرَةِ الْحَمْرَاءِ وَالْقَسِّيِّ وَاٰنِيَةِ

جامه ابریشم ودیبای سطبر ودیباے مطلق واز استعمال میثره سرخ واز پوشیدن جامه قسی

الْفِضَّةِ وَفِيْ رِوَايَةٍ وَعَنِ الشُّرْبِ فِي الْفِضَّةِ فَاِنَّهٗ مَنْ شَرِبَ

واز ظروف نقره ودر یک روایت چنین آمده ومنع فرموده از آشامیدن در ظروف نقره بدرستیکه آشامید

فِيهَا فِي الدُّنْيَا لَمْ يَشْرَبْ فِيهَا فِي الْآخِرَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ هٰذَا

از ظروف نقره در دنیا نیاشامد در آن در قیامت این حدیث متفق علیه است بس این

آخِرُ مَا قَصَدْتُهُ مِنْ بَيَانِ الْأَحَادِيثِ الَّتِي جَمَعَتْ قَوَاعِدَ

آخر آن چیزیست که قصد کرده بودم آنرا از بیان کردن احادیث که جمع نموده اند قواعد

الْإِسْلَامِ وَتَضَمَّنَتْ مَا لَا يُحْصٰى مِنْ أَنْوَاعِ الْعُلُومِ

اسلام را و احاطه کرده اند آنچیز را که در شمار و ضبط نیاید از اقسام علوم

فِي الْأُصُولِ وَالْفُرُوعِ وَالْآدَابِ وَسَائِرِ وُجُوهِ الْأَحْكَامِ

در اصول و فروع و آداب و همه وجوه احکام

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ أَوَّلًا وَآخِرًا وَظَاهِرًا وَبَاطِنًا وَالصَّلٰوةُ وَ

و همه ستایش هست مر خدا را در اول و آخر و ظاهر و باطن و صلوة و

السَّلَامُ عَلٰى رَسُولِهِ وَحَبِيبِهِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَ

سلام باد بر فرستاده وی و محبوب وی محمد و بر آل وی و اصحاب وی

أَتْبَاعِهِ وَأَحْبَابِهِ كَامِلًا وَعَلَيْنَا مَعَهُمْ شَامِلًا آمِين

پیروان وی و دوستان وی کامل و بر ما نیز با ایشان باد شامل آمین

الْكِتَابُ	بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ	تَمَّتِ
	برحمت خود ای بهتر رحم کننده رحم کنندگان	

مخفی نماند که کتاب لباب الاخیار که درین دیار مروج است اکثر احادیث آن موضوع و بی اصل اند طالبین فن را باید که از مقدمه کتاب هٰذا ترجیح احادیثش ملاحظه فرماید و سبیل تعصب نماید

اشتهار بلا اجازت مترجم و محشی احدی قصد طبع نکند

اطلاع این کتاب در لاهور کشمیری بازار خاص بدوکان فقیر الله و عبد العزیز و عبد القادر موجود ست